خبر

نمایشگاه‌های چهره‌های هنری در گالری‌ها

پس از ماه‌ها که فضای هنرهای تجسمی خالی از نمایشگاه‌های هنری بود، این روزها شاهد برپایی نمایشگاه‌هایی از هنرمندان باسابقه در گالری‌های مختلف هستیم.

نمایشگاهی از آثار حسینعلی ذابحی، از هنرمندان نوگرای ایران این روزها در گالری هور برپاست و تا جمعه ۲۹ اردیبهشت ادامه دارد.

کریم نصر نیز یکی دیگر از چهره‌های تاثیرگذار هنر مدرن ایران است که این روزها نمایشگاه آثارش با عنوان «از زندگی» در گالری شیرین برپاست و علاقه‌مندان تا دوم خرداد فرصت دارند از این نمایشگاه دیدن کنند.

گالری ثالث نیز این روزها میزبان نمایشگاه انفرادی «حسن آقا» است که بخشی از آثار حسن حاضرمشار را در معرض دید هنردوستان قرار می‌دهد.

بهرام دبیری، دیگر هنرمند نامدار ایرانی نیز این روزها نمایشگاه قالی‌های خود را در گالری فیوز شهر کاشان به نمایش گذاشته که تا ۱۱ خرداد ۱۴۰۲ ادامه دارد.

«قدم برداشتن در تاریکی» هم نمایشگاهی انفرادی از آثار علی ذاکری است که در گالری برپا شده و تا جمعه ۲۹ اردیبهشت ادامه دارد. «بازی» نیز عنوان نمایشگاه انفرادی از حسین ماهر، از هنرمندان تجربه‌گراست که این روزها در گالری ۲ پلاس میزبان علاقه‌مندان خواهد بود.

در گفت‌وگوی «جام جم» با جواد علیزاده مقدم، کاریکاتوریست پیشکسوت عنوان شد:

همگرایی؛ جادوی بی‌نظیر کاریکاتور

علی مظاهری
گروه فرهنگ و هنر

کاریکاتور، هنر زودبازده‌ای است و زبانی جهانی؛ استفاده از این رسانه برای روشنگری و جهاد تبیین می‌تواند چه کارکردهایی داشته باشد و تا کجا... پرسش از روشنگری و جهاد تبیین مانند رگ پنهان به سطرهای این هم‌سخنی، سویه و جهت می‌بخشد. در گفت‌وگو با چهره آشنای کاریکاتور، جواد علیزاده مقدم سری زدیم به تجربه‌ها و اندوخته‌ها و داشته‌هایش از انقلاب و تحولات کشور و دفاع‌مقدس و... لایه‌های ندیده‌شان که فقط قلم یک کاریکاتوریست می‌تواند کشف‌شان کند و بینش‌ها را به افق تماشای‌شان ببرد. با هم به برپایی تمدن ایرانی اسلامی رسیدیم از بایدها و نبایدهایش تا لازمه‌های این مهم‌ترین و ضرورت‌های‌شان تا این‌که به ایجاد همگرایی میان کشورها و مردمان رنگارنگ ایران فرهنگی از منظر صادقانه این هنرمند کاریکاتوریست اندیشیدیم.

از تاثیر هنر کاریکاتور ایجاد همگرایی است. به ذهن‌های رنگارنگ، جهت و همسویی می‌دهد و چشم‌های بینش را بازتر می‌کند. حالا برای ایجاد همگرایی میان اقوام و مردمان ایران فرهنگی از این هنر چه کارها که برنمی‌آید؟

کاریکاتور را هنری چند بعدی می‌دانم که می‌کوشد موثر باشد به گونه‌ای که هم انتقادپذیری را در بین مسئولان ترویج می‌کند هم با رواج لبخند موجب می‌شود که مردم بتوانند سختی‌های زندگی را تاب بیاورند و به مشکلات‌شان بخندند. اینها هدف‌های اصلی این هنر است؛ هنری که وحدت و همگرایی ایجاد می‌کند. معتقدم باید درباره تاثیر کاریکاتور بر تمدن و فرهنگ گام به گام جلو رفت. چنانچه یک کاریکاتوریست در کشور خودش در درجه نخست با کارش و زبان طنزش همزمان مردم و مسئولان را بتواند بخنداند؛ به نظرم به هدفش رسیده است، چون خنده باعث تلطیف فضا می‌شود و دوستی، محبت، عشق، علاقه و همگرایی میان مردم بیشتر شده و خشونت کاهش می‌یابد. وقتی کاریکاتوریست به این مهم دست یافت؛ می‌تواند در ابعاد کلان‌تر بر تمدن و کل جامعه ایران فرهنگی تاثیرگذار باشد.

در راستای برپایی تمدن ایرانی اسلامی برای ایجاد همسویی و همدلی میان اقوام ایران فرهنگی که به دلیل مسائل زیادی از دست‌اندازی و برنامه‌های بلندمدت استعمار تا الی ماشاءا... از هم دور و بی‌خبر و ناخوشنودند و بعضا به تحقیر یکدیگر می‌پردازند (مثل رفتار برخی‌ها با مردم آریانا یا خراسان بزرگ که سلطه و فشار استعمار انگلیس واقعا نامش را افغانستان گذاشت) کاریکاتور می‌تواند چه کارکردهایی داشته باشد؟

هرچند بحث تخصصی است اما در رابطه با کاریکاتور، نهادهای فرهنگی مثل خانه کاریکاتور و وزارت ارشاد باید پیش بیایند. یکی از ابعاد کاریکاتور، روشنگری و آگاهی‌بخشی است پس می‌شود با موضوع تاریخ ایران یا مثلا همان مسائل تاریخی و نقش استعمار را در جدایی بخش‌هایی از ایران و... به عنوان موضوع کاریکاتور در نظر گرفت که به مرور می‌تواند خیلی تاثیرگذار باشد.

کاریکاتور چگونه می‌تواند سویه‌های خودشناسی را برجسته کند و در چشم این مردمان رنگارنگ اما با روح یکدست و یکسان در قلمرو ایران فرهنگی به تجلی دربیاورد مانند تاکید بر اشتراکات و داشته‌های فرهنگی؟

این کار به شکل تخصصی به عهده خیلی‌ها می‌تواند باشد از تاریخ‌نویسان تا مردم‌شناسان و... ولی چون کاریکاتور هنر مدرن است و از اتفاقات جاری جامعه و اخبار مطبوعات و رسانه‌ها مایه و الهام می‌گیرد، طبعا می‌تواند تا جاهایی در این زمینه وارد شود. تجربه کارکردن در مطبوعات قبل و بعد انقلاب و زمان جنگ مرا با کاربردها و کارکردهای کاریکاتور آشنا کرد، به‌ویژه که نقش و تاثیرش را هم دیده‌ام. مثلا انقلاب ما کاملا فرهنگی بود. سطح آگاهی و مطالعه مردم به‌قدری بالا رفته بود که با انتخاب و تکثیر کاریکاتورهای چاپ شده در مطبوعات در پلاکاردها حتی کارشناس و تحلیلگر کاریکاتور شده بودند، چون کاریکاتور به ابعاد مختلفی پوشش می‌دهد و یکی از آنها هم جنبه سیاسی-انتقادی آن است که انتقادپذیری را می‌تواند در جامعه ترویج داده و مردم را از نظر روحی و روانی به آرامش و تحمل مشکلات شخصی دعوت کند. زمان انقلاب که تیراژ روزنامه به بیش از یک میلیون رسیده بود مردم روزنامه‌خوان، نخست سراغ کاریکاتور می‌رفتند تا با دقت بصری‌شان پیام کاریکاتوریست را دریابند. همان دقتی که یک مخاطب معمولی برای درک کاریکاتور به خرج می‌داد باعث می‌شد درک بصری و دید هنری و گرافیکی‌اش بالا برود همچنین سوژه کاریکاتور بدون شرح را درک کند که همین کار به بینش مخاطب عمق می‌دهد و می‌تواند در تحلیل‌های زندگی روزمره‌اش حتی مسائل سیاسی، اجتماعی و تاریخی کشورش با عمق بیشتری بیندیشد. عمقی که از دیدن و درک پیام کاریکاتور پیدا کرده، به عبارتی نقشی که کاریکاتور دارد شامل پرسش شما هم می‌شود.

کاریکاتور آن محتکر که پشت جبهه، گونی‌های آرد و قند و شکر... را پشت خودش چیده و با تیربار قیمت‌ها به مردم شلیک می‌کند در مقابل، سربازی در جبهه برای دفاع از وطن، پشت گونی‌های سنگر؟

بله. این چاپ شد یا دوران موشک‌باران دوتا موشک کشیدم، یکی عراقی که سر مردم فرود می‌آمد و دیگری موشک قیمت‌ها که با سرعت بالا می‌رفت. ما این کاریکاتورها را زمان جنگ می‌کشیدیم و منتشر می‌شد و نشانگر تمدن و سطح بالای انتقادپذیری مسئولان بود. خیلی‌ها از این زاویه نگاه نکرده‌اند در حالی که زمان صدام کسی در عراق، جرات نشر طنز یا طرح انتقاد نداشت. همین می‌تواند برای نسل‌های فعلی و مقایسه، بهترین نمودار باشد. هرچند به عنوان منتقد و کاریکاتوریست دلسوز که انتقادهایی به وضعیت اقتصادی و معیشتی دارم، معتقدم با هنرمندی که نامش پای اثرش است و هویت مشخصی دارد نباید به دلیل انتقاد برخورد کرد. زیرا گاهی پیش آمده در حالی که کاریکاتور حسن نیت دارد و به عنوان نماینده مردم، آسیب‌شناسی می‌کند آن هم با هزینه شخصی و کار دلی. کافی است درآمد کاریکاتوریست‌ها را با گرافیست‌ها و نقاش‌ها مقایسه کنید تا دریابید چه می‌گویم. همیشه پیشنهاد داده‌ام که به کاریکاتوریست‌ها باید مصونیت قضایی و سیاسی بدهند. البته ظرفیت و پذیرش انتقاد از دیرباز در انقلاب ما وجود دارد که همین نشانگر والایی تمدن و فرهنگ ایرانی اسلامی ماست.

ایران همواره تمدن‌ساز و فرهنگ‌پرور بوده انتقادهایی که هنرمند کاریکاتوریست به نارسایی‌های کنونی این قلمرو گسترده و تاریخی دارد؟

پاسخ به این پرسش، کمی سخت است. ما در کشوری اسلامی به سر می‌بریم و انقلاب‌مان هم بر اساس مولفه‌های اسلامی ایرانی شکل گرفته. یک کاریکاتوریست وقتی بتواند طرح انتقاد کند، نباید واهمه نداشته باشد، در واقع نشان می‌دهد جامعه تمدن بالایی دارد و مسئولان سعه‌صدر دارند. درکشور ما انتقاد مجاز است و به‌راحتی می‌توان انتقاد کرد. در فضای مجازی و نشریات می‌توان کاریکاتورهای انتقادی دید که نشان می‌دهد مسئولان رده بالای ما تحمل انتقاد دارند. در شرایط فعلی که برخی نارسایی‌ها و بی‌مسئولیتی‌ها آسیب‌هایی پیش آورده همچنان کاریکاتور می‌تواند دل‌ها را مردم و مسئولان را به هم نزدیک کند. فضا را خشونت‌زدایی کند و زبان خنده را ترویج بدهد و تاثیر مثبت روحی روانی بگذارد. کاریکاتور از مسائل روح و روان انسان تا مسائل مختلف جامعه را دربرمی‌گیرد. کاریکاتور لازم و ضروری است به‌ویژه که می‌تواند به انسان‌ها امید به زندگی بدهد و درجه این امید را ارتقا بخشد. خوشبختانه این ظرفیت هست ولی بعضی وقت‌ها برخوردهای خشنی که می‌شود تناسبی ندارد با روحیه انتقادپذیری که من باوردارم هست. مهم این است که قانون رعایت شود. مثلا رعایت قوانین رانندگی از نشانه‌های تمدن و فرهنگ والای مردم و جامعه و مسئولان است. باید قانون اساسی مو به مو رعایت شود. اگر این حل شود همه مشکلات حل می‌شود.

کاریکاتور، هنر نقد است. کم تاثیر شدن کاریکاتور رسانه‌ای و حضور کمرنگ چنین آثاری آیا کم‌توجهی به حوزه نقد و کاهش انتقادپذیری را در کشور نشان نمی‌دهد؟

چند علت می‌تواند در کار باشد؛ یکی این‌که کاریکاتور هنری کم‌درآمد و پر دردسر است یعنی برعکس! گاهی برخوردهایی با کاریکاتوریست می‌شود که انگار دیواری از دیوار این هنرمندان کوتاه‌تر نیست و از کارشان سوءبرداشت می‌شود. وقتی امضای کاریکاتوریست پای کارش است به این معناست که حسن نیت دارد. کاریکاتوریست مشکلات مردم را خیلی خوب درک می‌کند زیرا خودش زیر خط فقر زندگی می‌کند. اگر مسائل معیشتی این هنرمندان حل شود، رغبت بیشتری برای کار خواهند داشت. الان کاریکاتوریست‌ها فقط برای نمایشگاه‌های خارجی کار می‌کنند چون جایزه ارزی دارد و دردسری هم ندارد. گرچه شرکت در نمایشگاه خارجی نشان موفقیت کاریکاتوریست است اما کاریکاتوریست نباید به داخل کشور و مسائل درون جامعه بی‌اعتنا باشد. مشکلات جامعه در کاریکاتور به چشم مسئولان می‌آید زیرا این هنر می‌تواند پیامش را تا بالاترین سطح منتقل کند.

به‌ویژه مقام معظم رهبری که مطالعه نشریات عادت‌شان بوده است.

بله یادم می‌آید زمانی که مجله منتشر می‌کردیم برای بیت رهبری چند نسخه ارسال می‌کردیم و می‌دانستیم آقا می‌بینند. کاریکاتور، کار چند مقاله را انجام می‌دهد. زمان انقلاب لوگوی روزنامه کیهان؛ حرف الفش مدتی پس از بهمن ماه تبدیل به علامت پیروزی شد که من کار کرده بودم. پیش از انقلاب اما کاریکاتور را صفحه داخلی روزنامه (فیچر) کار می‌کردیم جای کاریکاتور از زمان انقلاب به صفحه آخر آمد به عبارتی اهمیت دادن به کاریکاتور از زمان انقلاب آغاز شد. یادم است بعد از اعتصابات ۶۳ روزه که شروع کار مطبوعات بود، روزنامه با تیراژ بالای یک میلیون چاپ شد و خودم توی صف ایستادم و روزنامه را خریدم که البته کاریکاتوری از این قلم چاپ شده بود. آن قدر سطح فرهنگ سیاسی و مطالعه مردم بالا بود که صف می‌کشیدند، روزنامه بخرند.

متاسفانه نسل جدید خیلی از مسائل مهم گذشته را نمی‌دانند؛ دوره شاه تظاهرات ممنوع بود، آزادی وجود نداشت و اقدامات او برخلاف قانون اساسی بود که همه قوا را خودش زیر سلطه داشت. باعث و بانی همه مسائل خودش بود و یک‌تنه همه کاره مملکت شده بود. بنابراین مردم انقلاب کردند. البته کاریکاتورهایی که علیه شاه کشیدم هنوز برایم بازخورد منفی دارد با این‌که از زمان انقلاب به بعد می‌خواستم مستقل کارکنم و جناحی نباشم اما از دوطرف مورد نوازش قرار گرفتم.

کودک درون‌تان را چگونه فعال نگه می‌دارید و تا چه اندازه مهم است که این کودک پرانرژی، مؤثر و بی‌پروا بدرخشد؟

چون دوره کودکی، پاک‌ترین و صادقانه‌ترین دورانی است که تجربه می‌کنیم و زبان از وصفش قاصر است؛ از این جهت همیشه کودک درونم فعال است و سعی می‌کنم در کارهایم کسی را از خودم نرنجانم و دروغ نگویم و انتقادهای کاریکاتورهایم خیلی افراطی و پررنگ نباشد. همیشه به انتقادهای بینابین معتقد بودم، زیرا هیچ انسانی کامل نیست و نباید یک کاریکاتوریست احساس برتری کند و خودش را علامه دهر بداند. رنگ حقیقت به قول معروف، خاکستری است اتفاقا برخلاف برخی نظرها بهترین جناح همان خاکستری بودن است که بین صفر تا صد است. کاریکاتوریست به ایجاد تعادل فکر می‌کند. من همیشه بیش از حد غرق خاطرات کودکی و وفادار به کودک درونم هستم.

استاد کاریکاتوریستی که شمایید انگار نگاهش غیرعادی است و هرچیزی را غیرعادی می‌بیند، این ویژگی و لازمه این هنر است یا بیشتر تجلی ژنوم شماست؟

در این که غیرعادی هستیم هیچ بحثی نیست. سال ۵۶ قرار بود به‌عنوان مترجم زبان انگلیسی با ماهی ۷۰۰۰ تومان استخدام شوم، معادل ۱۰۰۰ دلار آن زمان ولی کار روزنامه را برگزیدم با ماهی ۴۰۰۰ تومان که «روشنه آدمی غیرعادی‌ام!» البته مقداری عشق و عاشقی هم در این کار دخالت دارد و این کار واقعا دلی است. همه کاریکاتوریست‌ها خط مشی و جهان‌بینی ویژه‌ای از همان اول ندارند و بیشتر در آغاز می‌کوشند کارشان چاپ و مطرح شود، بعد کم‌کم در روند کار با مطالعه و دقت در جامعه، جهان‌بینی کاریکاتوریست شکل می‌گیرد. به‌نظرم کاریکاتوریست‌ها شریف‌ترین انسان‌ها هستند و بودن کاریکاتوریست به نفع جامعه و نظام است، زیرا با حسن نیت انتقاد می‌کند.

برای خواندن متن کامل کیوآرکد را اسکن کنید

برش

واژه‌های ابداعی

کاریکا«توریست»: کاریکاتوریستی که مدام به سفر مجانی می‌رود.

کاریکلماتور: پیوند دو واژه «کاریکاتور» و «کلمه»؛ کاریکاتورهایی که با با کلمات بازی می‌کند.

«کاریکار بیست» یعنی هر کاریکاتوریستی که با زبان طنز بین اقوام، همگرایی ایجاد می‌کند، کارش «بیست» است.

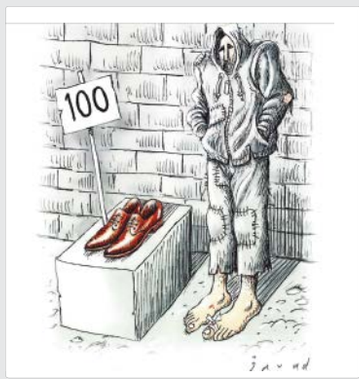

رویداد

«۱۰ روز با عکاسان» ۲۹ اردیبهشت آغاز می‌شود

نهمین دوره «۱۰ روز با عکاسان ایران» پس از سه سال تاخیر از ۲۹ اردیبهشت تا ۹ خرداد در خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود.

این رویداد هنری به همت انجمن عکاسان ایران و دبیری رامیار منوچهرزاده برپا می‌شود.

به گفته دبیر این رویداد، ۱۰ روز با عکاسان بیشتر از هر چیز معرفی نسل‌های جدید تازه‌نفس را به‌عنوان هدف خود دنبال می‌کند و در این مسیر از همکاری و کمک‌های اساتید و بزرگان عکاسی که به‌نوعی به بدنه عکاسی آکادمیک ایران متصل هستند بهره می‌گیرد. منوچهرزاده با اشاره به تعطیلی این رویداد در سه سال گذشته گفت: متأسفانه پس از دوره هشتم در سال ۱۳۹۸، شیوع بیماری کرونا فاصله‌ای تا دوره نهم ایجاد کرد. بنابراین چیزی نزدیک چهار سال از برگزاری آخرین دوره ۱۰ روز با عکاسان می‌گذرد اما تغییرات ساختاری در برگزاری این رویداد رخ داده است که مهم‌ترین این تغییرات کیوریتوریال کردن ۱۰ روز با عکاسان است. نکته بعدی نیز مجموعه‌محور بودن آثار و ایجاد یک رویکرد هنری و فاین‌آرت در انتخاب آثار است.

نمایشگاه

سوگ به بستان آمد

معصومه مظفری، از نقاشان باسابقه کشور جدیدترین آثار خود را با عنوان «سوگ» از روز گذشته ۲۲ اردیبهشت‌ماه در گالری بستان به تماشا گذاشت. این هنرمند که پرتره‌نگاری را در آثارش بازتاب می‌دهد، موضوع زن، خانواده و طبیعت را همواره در نقاشی‌هایش انعکاس داده است.

سبک کاری مظفری، کشیدن فضاها و اشیا یا انسان‌های درون آنها به شکل واقع‌گرایانه است. در فضای آثار مظفری، اشیا در معرض سقوط قرار دارند و انسان‌های درون این فضاها به مخاطب خود خیره شده‌اند تا او را مورد خطاب قرار دهند.

او در پرتره‌های خود، چهره‌هایی سرد و خنثی را به تصویر می‌کشد که ترس و نگرانی از فضای بیرون در چشمان‌شان دیده می‌شود. مظفری در کارهای خود از رنگ اکریلیک و رنگ‌روغن و همین‌طور متریال‌هایی مثل مداد و خودکار بهره می‌گیرد تا با تکنیک‌های مختلف بهترین گفتمان را در معرض دید مخاطب قرار دهد.

نمایشگاه آثار معصومه مظفری تا یکشنبه ۷ خردادماه در گالری بستان واقع در خیابان مطهری، خیابان لارستان، نبش کوچه بیست‌ودوم، پلاک ۷۱ میزبان هنردوستان است.

قاب

نقش شهید غیرت بر بوم عشق

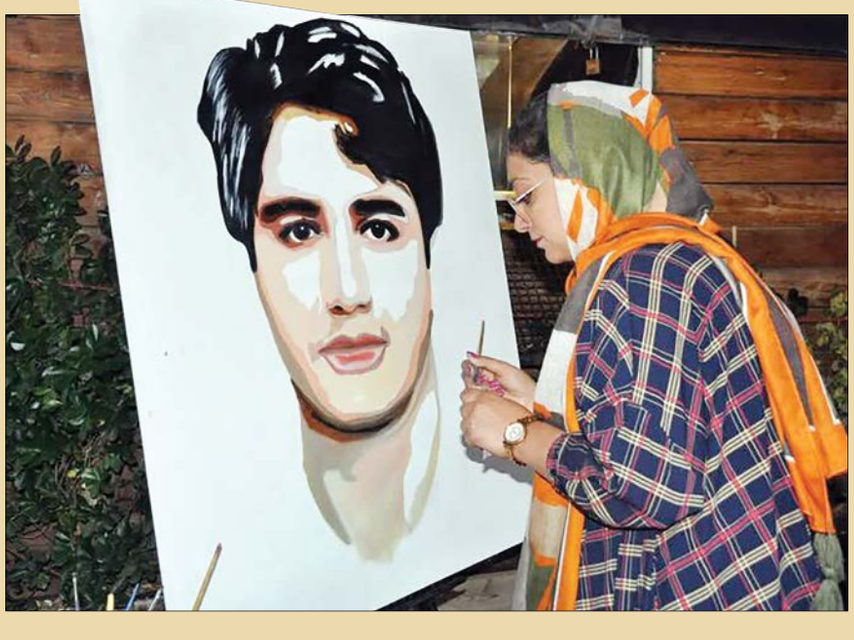

بانوان هنرمند استان‌های سمنان، خراسان‌رضوی و خراسان‌شمالی هفته گذشته با حضور در محل شهادت شهید حمیدرضا الداغی (شهید غیرت)، با هنر خود از رشادت این شهید عزیز قدردانی کردند. این زنان هنرمند با پرتره‌نگاری این شهید، تلاش کردند تا یاد و خاطره این هنرمند را در آثار هنری بازنمایی کنند. برای دیدن این آثار کیوآرکد را اسکن کنید.

کیوآرکد را اسکن کنید